

همه شما ای زحمتکشان نزد من بیایید.



در آن وقت عیسی به سخنان خود ادامه داده و گفت: «ای پدر، ای خداوند آسمان و زمین، تو را سپاس می‌گویم که این امور را از دانایان و خردمندان پنهان داشته و به ساده دلان آشکار ساخته‌ای. 26 آری ای پدر، خواست تو چنین بود. 27 «پدر همه چیز را به من سپرده است و هیچکس جز پدر، پسر را نمی‌شناسد و هیچکس پدر را نمی‌شناسد، پسر می‌خواهد همه چیز را فاش کند. 28 «بیایید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من به شما آرامی خواهم داد. 29 یوغ مرا به گردن گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا من بردبار و فروتن هستم و به جانهای شما آرامی خواهم داد، 30 زیرا یوغ من آسان و بار من سبک است.»

آیا می‌توانید روز اول را در مدرسه به یاد بیاورید؟ به عنوان مثال، آیا می‌توانید اولین کوله‌پشتی مدرسه خود را به یاد بیاورید؟ یا در روزهای اول مدرسه خود را؟ من می‌توانم هنوز به یاد بیاورم که، چه زمانی کوله‌پشتی مدرسه اول پسرمان را خریدیم. ما بسیار می‌ترسیدیم که حتی یک کوله پشتی نامناسب به کودکان آسیب برساند. بنابراین همه چیز درست و منطبق بود. بارهایی که پسر باید تحمل کند، نباید آن را خرد کند. اکنون ما به شدت دردناک هستیم چون می‌دانیم که چیزی بسیار بدتر بر روی بچه‌ها قرار داده‌ایم! حتی آنقدر بد که فرزندان ما مجبورند در خیابان‌ها تظاهرات کنند. آنها به ما یادآوری می‌کنند: "شما آینده ما را به سرقت برده اید!" این صداهای بچه‌ها تکان دهنده هستند. و به خصوص در مورد بسیاری از کودکانی که نمیتوانند نارضايتی خود را اعلام کنند، فکر می‌کنم. زیرا آنها فرست ندارند چنین کاری کنند. همچنین بار سنگینی بر دوش ما می‌گذارد زیرا شیوهی زندگی ما، زندگی را برای نسلهای آینده دشوار کرده است. و این آگاهی همه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد جوان و پیر به طور یکسان. علاوه بر این مواردی که در دنیای ما اتفاق می‌افتد، بارهای بیشماری نیز وجود دارند که مانند هزار کیلو وزن در پشت ما قرار دارند. نگرانی در مورد شغل، روابطی که خراب شده یا مشکل شده است. بسیاری از اشتباهاتی که ما در بین خودمان مرتکب می‌شویم نیز به شدت بر روی شانه هایمان سنگین می‌شوند. به طوری که نفس کشیدن دشوار می‌شود. ما در بدن و روح شکست خورده ایم و دیگر نمی‌دانیم چه کار کنیم و ناله می‌کنیم: "من نمی‌توانم نفس بکشم!" ... و نمی‌دانیم از کجا نجات خواهیم یافت. سخنانی که عیسی می‌گوید امروز به خصوص برای افرادی که خرد شده اند است. در نزدیکی دریای جلیل، جایی که عیسی برای اولین بار این کلمات را بیان کرد، رومیان ۲۰۰۰ یهودی را در طول عمر عیسی بر روی صلیب کشیدند. خاطره‌ی این و دیگر خونریزی‌ها هنوز در خاطرات مردم تازه بود. بیوه‌ها و یتیمان شونندگان عیسی بودند. عیسی توانست غم و ناامیدی را در چشمانشان ببیند. او ضربه روحی انسان را درک کرد، که به سختی از بین رفتند. حتی کسانی که خود را به گناه متهم کرده اند زیرا دیگران مجبور بودند برای آنها بمیرند. عیسی همه آنها را درک کرد. و قلبش باز شد! دقیقاً به خاطر چنین ناامیدی بود که عیسی آمد. دقیقاً این هدفش بود که، بار سنگین مردم را از بین ببرد. و به همین دلیل است که او به سوگواری رفت. درست مثل اینکه او امروز ما را می‌خواند: "بیایید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من به شما آرامی خواهم داد!" وقتی این را می‌شنوم، قلبم باز می‌شود. در اینجا صدای متفاوت از آنچه من عادت کرده‌ام به نظر می‌رسد. بدون هیچ تبلیغاتی ما را وعده می‌دهد: اگر محصول را خریداری کنم، خشنود باشیم.... و هیچ واژگان اخلاقی مرا خوشداری کند که همه چیز را اشتباه انجام دادم و تکلیف می‌دهد چگونه باید در آینده زندگی کنم. اما عیسی مسیح فقط یک چیز را به ما می‌گوید: بیا به نزد من! می‌توانیم همانطور که هستیم بیاییم. با همه نگرانی‌ها و سنگینی‌هایی که در طول سال‌ها انباشته‌ایم با تمام احساساتمان که ناقص هستند. ما فقط می‌توانیم بیاییم. اگر عیسی ما را اینگونه صدا کند، می‌دانیم، خود خداست که ما را دعوت می‌کند. خدا می‌خواهد که ما در کنار او باشیم. این کار خدا شگفت‌انگیز است. می‌تواند خیلی متفاوت باشد: و این‌گونه می‌باشد که، خداوند به هیچ وجه ما را صدا نمی‌کند. می‌توانست اینگونه باشد که گناهایی که ما انسانها در طول آن انباشته‌ایم، برای خدا آنقدر زیاد شده باشد، که در نهایت خدا به اندازه کافی آن را داشته باشد و ما را با تمام مشکلاتمان تنها بگذارد. خدا می‌توانست بگوید دنیا دیگر نمی‌تواند نجات یابد. اما خدا این کار را نمی‌کند، او ما را تنها نمی‌گذارد! و او از طریق عیسی به سمت ما می‌آید! شانه‌های عیسی آنقدر گسترده است که او می‌تواند هر چیزی را حمل کند! در مزمور ۱۰۳ در حال خواندن است: " زیرا به اندازه‌ای که آسمان از زمین بلندتر است، به همان‌قدر محبت پایدار خداوند بر آنانی که او را گرامی می‌دارند، عظیم است. به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، خداوند به همان‌قدر اجازه می‌دهد گناهان ما، از ما دور شود. " و ما همه اینها را می‌آموزیم. از طریق عیسی همه این کار خدا به اتمام رسید. عیسی نیز با شانه‌های گسترده خود در مقابل ما ایستاده است و سخنان خود را می‌گوید: بیایید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران. وقتی به متن اصلی

سخنان عیسی نگاه می‌کنیم ، معنی آشکارتر است: می‌تواند ترجمه کند: "بیا به استراحت من!" بسیاری از افراد مدرن متوجه می‌شوند که ما انسانها علاوه بر کار احتیاج به استراحت داریم. استراحت به همان اندازه در کار مهم است. ما انسانها ماشین نیستیم. و به همین دلیل است که خداوند قبلاً در آفرینش مشخص کرده بود که ما انسانها باید یک روز مرخصی بگیریم. خدا به ما نشان می‌دهد چگونه این استراحت باید در آفرینش به نظر برسد. زیرا او سخنان نعمت خود را درباره‌ی همه چیز تلفظ می‌کند: "ببین خوب است!" و دقیقاً این کلمه است که خدا دوباره از طریق عیسی فاش می‌کند. از طریق عیسی ، خدا استراحت شنبه نهایی و محکم را به ما می‌دهد. او از گناهان و بارهای بد ما اطلاع دارد. همه چیز در عیسی به خوبی تبدیل شده است. آنجا که گناه وجود داشت ، باید عدالت برقرار شود. آنجا که نفرت وجود داشته باید عشق باشد. در جایی که ناامیدی و شک و تردید وجود داشتند ، باید ایمان و اعتماد به نفس باشد. علاوه بر مطالبات فراوان جامعه‌ی ما و تمام فشارهایی که به خودمان وارد می‌کنیم ، به این سخنان از طرف خدای خود احتیاج داریم. "اکنون خوب است! این کلمه‌ی خوب در عیسی است!" برای ما ، این کلمه به معنای واقعی مکث است. این بدان معناست که ما همه چیزهایی را که در زندگی ما دشوار هستند به استراحت می‌کشیم. ما در آفتاب لطف خدا دراز می‌کشیم و از همه‌ی کار شریب بیرون می‌آییم. من می‌دانم که هر یک از ما باید بار خود را تحمل کنیم. برای برخی ، بارهای دیگر افراد بر دوش آنها سنگین است. شاید کسی کاری را برای شما انجام داده باشد که غیر قابل تحمل است. و این گناه دیگر آنقدر فشار می‌آورد که تلخ شده‌اید و نمی‌توانید او را ببخشید. گاهی اوقات احساسات آنقدر قوی است که به سختی می‌توانید از هیجان و عصبانیت نفس بکشید. عیسی به ما می‌گوید: "اکنون خوب است!" رها کن. بار خود را بر دوش من بگذار. اما ممکن است که خودتان مرتکب گناه شوید. و حتی این بار می‌تواند به قدری سنگین باشد که زندگی به سختی نمی‌توان تحمل کنید. فقط همه را در مقابل عیسی قرار دهید ، که می‌تواند همه آن را روی شانه‌های خود حمل کند. وقتی عیسی سخنان خود را "بیا" صدا می‌کند ، ما را دعوت می‌کند تا در کنار او باشیم. این بدان معنی است که ما ارتباط نزدیکی با او داریم. هیچ فاصله اجتماعی بین خدا و عیسی وجود ندارد. خدا و عیسی چنان نزدیک هستند که حتی یک تمبر نیز نمی‌تواند بین آنها جای بگیرد. و خدا می‌خواهد که ما همین قدری خیلی نزدیک باشیم. بدون یک ماسک و بدون ترس از آغوش گرفتن ، خداوند در بهشت ایستاده و می‌خواهد که ما در کنار او باشیم. و اینگونه است که خدا را رو در رو می‌بینیم. اما عیسی می‌خواهد که ما همین حالا از او یاد بگیریم. ما می‌توانیم از قبل با این بهشت امروز آشنا شویم که او می‌خواهد به ما عطا کند. یوغ عیسی آسان است. و او می‌خواهد که ما از او یاد بگیریم. به همین دلیل است که شاگردان خود را به سراسر جهان می‌فرستد و به آنها دستور می‌دهد: "برو به سراسر جهان و آنها را تعمیم دهید... و به آنها بیاموزید که هرچه را که من سفارش داده‌ام نگه دارند!" بارهای عیسی آسان است در تمام زندگی ما باید از عیسی یاد بگیریم. او به ما نشان می‌دهد چگونه می‌توانیم با دشمنان خود مقابله کنیم. او به ما نشان می‌دهد چگونه می‌توانیم با خانواده‌های خود رفتار کنیم. او به ما نشان می‌دهد چگونه باید با روابط جنسی خود رفتار کنیم، با پول ، با کار با ازدواج خود و دیگر چیزها مقابله و رفتار کنیم. همه اینها از طریق عیسی کیفیت آسمانی به خود می‌گیرد. و سپس عیسی همچنین به ما می‌گوید که همه این کارها خطاب بر چه کسی است. "برای همه!" وقتی عیسی به همه اعلام کرد، منظورش همه است هیچ استثنائی وجود ندارد. اگر عیسی به همه بگوید ، می‌دانم که منظورش به این دلیل است که قطعاً به همه متعلق دارم. من هم یک ذره از تمامی انسان هستم! وقتی عیسی می‌گوید تمامی ، منظورش به افرادی دیگری هم است. همچنین افرادی که با آنها مشکل دارد. عیسی همچنین می‌خواهد به کسانی که دشمنان من هستند ، برسد. او می‌خواهد با کسانی باشد که تحصیل کرده و بی سواد هستند باشد. او می‌خواهد به سراغ کسانی برود که هرگز او را نشنیده‌اند و او همچنین می‌خواهد به سراغ کسانی برود که قبلاً همه چیز را از بدر بچگی می‌دانند. و برای آنها خیلی خسته کننده شده است. او می‌خواهد به سراغ کسانی که تازه اتفاقی به کلیسا رفتند و او همچنین می‌خواهد با کسانی باشد که دارای اعتقاد عمیق دارند. عیسی می‌خواهد با همه ما باشد. و او می‌خواهد که ما با او باشیم. دقیقاً به همان اندازه که عیسی به خدا متصل است ، او می‌خواهد به ما وصل شود. در دوران تحصیل من بعضی اوقات نمرات خوبی داشتم... گاهی اوقات ، خطوط قرمز ضخیم هشدار می‌دادند که در کجا ناکافی هستم یا حتی در خطر عدم موفقیت در این نمره هستم. در کلاس مدرسه عیسی می‌توانیم همیشه موفقیت‌آمیز باشیم. ما همیشه آن درجه را می‌گیریم که خود عیسی برای ما ایجاد کرده است. به همین دلیل است که برای عیسی ناکافی ، ناقص ، نامناسب با او وجود ندارد. بنابراین بیا به نزد او! آمین